

## کیست ؟

آن که با او صحبت از راز درون گوئیم کیست  
آن که با یاد رخس غم را ز دل شوئیم کیست

طایری لب بسته ام در خلوت بی همدمی  
آن که اسرار نهان در گوش او گوئیم کیست

بسته ره از هر طرف در پیشگاه چشم جان  
شمع راهی تا بدان راه نظر جوئیم کیست

درد بگذشته ست از حد سینه لبریز غم است  
تا که بار خود سبک سازیم، دلجوئیم کیست

آفتاب عمر از بام دل ما پر کشید  
آن که بویش را در این محنت سرا بوئیم کیست

خسته ام از خلق و خوی خویش در این شام عمر  
تا بیاسائیم لختی شوخ خوشخوئیم کیست

رضا شاپوریان  
پنجشنبه ۲۱ ژانویه ۱۹۹۹